

ديوان

مجلة علمى تحقيقى بين المللى علوم اسلامى
مجلة دراسات اسلامية، عالمية، علمية، محكمة

International Journal of Islamic Studies
Uluslararası İslami Araştırmalar Dergisi

ISSN: 2706-6428

حکم فرزندآوری بوسیلهٔ إلقاح مصنوعی از نظر فقه اسلامی

Rule of Artificial Fertilization From Islamic Gurisprudence perspective
İslam Hukuku Açısından Tüp Bebek Elde Etme ve Onun Hükümü

Makale Bilgisi / Article Information / معلومات مقاله

Makalenin Türü / Article Type / نوع مقاله : Araştırma Makalesi / Resarch Article / مقاله تحقیقی

Geliş Tarihi / Received Date / تاریخ دریافت مقاله 08.10.2019

Kabul Tarihi / Accepted Date / تاریخ پذیرش مقاله 03.12.2019

چکیده

واژه های کلیدی:

حکم، القاح، مصنوعی،
زوجین، نطفه، رحم، فقه.

موضوع مقاله هذا "حکم فرزند آوری از طریق القاح مصنوعی از منظر فقه اسلامی" می باشد، که القاح مصنوعی به معنی بارور ساختن نطفه زن و مرد و باردار نمودن زن از طریق غیر طبیعی (بدون مجامعت زوجین) بود، که عمده ترین اسباب فرزند آوری از طریق القاح مصنوعی، عقامت یا بی اولادی و تولد شدن همیشگی جنس معین (پسر یا دختر) می باشد. القاح مصنوعی از هفت طریق صورت می گیرد، که در نزد فقهاء صرف دو طریق آنها (تلقیح داخلی و خارجی میان نطفه زوجین) با در نظر داشت ضوابط و ضرورت شرعی جواز دارد و سایر انواع آن ناجیز می باشد، اولین طفلی که از طریق القاح مصنوعی به دنیا آمد (لویزابراون) بریتانیایی بود، که (لیزلی براون) آن را تولد نمود، این عملیه در ۱۰ نوامبر ۱۹۷۷م توسط طبیبان هریک (استبتوا وادواردز) انجام شد، طبیبان موصوف تخمه های خانم متذکره را با آب منی شوهرش در خارج رحم توسط آلات طبی القاح نمودند، که در نتیجه آن طفل دختر به میان آمد و نام وی را (لویزابراون) گذاشتند، و بعداً بنام طفل انبویی یا مصنوعی شهرت یافت.

اهداف اساسی این تحقیق، واضح کردن مفهوم و انواع القاح مصنوعی، شناسایی اسباب و عوامل، که باعث دست زدن عدّه از مردم به این پدیده می شود، و مهم تر از همه روشن شدن حکم شرعی صورت های مشروع و نامشروع القاح مصنوعی.

روش تحقیق در این مقاله علمی کتابخانه ای می باشد، یعنی مواد مقاله هذا با استفاده از کتب معتبر علمی و اسلامی کتابخانه ها آماده گردیده، و ترتیب آن نیز به شکل میتود معاصر نگارش مقاله علمی - تحقیقی - صورت گرفته است.

واژه های کلیدی: حکم، القاح، مصنوعی، زوجین، نطفه، رحم، فقه.

Keywords:

judgment.Conception.
Artificial, Couple,The
germ, Uterus,
.Jurisprudence

Abstract

The present paper entitled "Having Child by in Vitro Fertilization (IVF) from Islamic Perspective". The fertilization of eggs outside the body, is making a woman conceive a baby through an unnatural way (without intercourse). Further, failure in conceiving or barrenness and having children consecutively from the same particular sex (son or daughter) are considered to be the main cause for this phenomena. In Vitro Fertilization (IVF) is done in seven different manners. Islamic religious scientists believe that (IVF) which is done in only two manners (fertilization of the couple's own eggs inside or outside the uterus) are legal and allowed according to the legal conditions, criteria and requirement and rest are considered to illegal. British Luis brown was the first child who was given birth through (IVF) by Lezlie Brwon. This operation was done on 10th November 1997 by Dr. Steven and Dr. Edwards. The Doctors Fertilized the afore mentioned lady's egg with her spouse's egg outside her uterus by medical tools as a result, Luis brown was born and later she was known and artificial child. This qualitative library research had two main objectives: to illuminate the concept and types of in Vitro Fertilization (IVF), most importantly, to clarify the status of (IVF) according Islamic perspectives.

Anahtar kelime:

hüküm, dölleme, yapay,
eşler, yumurta, rahim,
fıkıh.

Özet

Bu makalenin konusu "İslam hukuku açısından tüp bebek elde etme ve onun hükmü" dür. Yapay yoldan çocuk elde etme, erkek ve kadının dölünün alınarak kadının doğal olmayan yoldan hamile kalması (eşlerin birleşmesi olmadan) idi. Aslında yapay yoldan çocuk elde etmede en önemli sebepler, kısırlık ya da evlat sahibi olamamak veya doğan bebeklerin sürekli aynı cinsten (erkek veya kız) olmasıdır. Bu yolla çocuk edinme işlemi yedi şekilde gerçekleşmektedir ki bu durum fakihler nezdinde sadece iki yolla (kadın ve erkeğin içeriden ve dışarıdan döllemesi) kriterler ve şer'i ihtiyaçlar göz önünde bulundurularak cevaz verilmektedir, bunun dışındaki diğer yollara cevaz verilmemektedir. İlk defa yapay dölleme ile dünyaya gelen çocuk Britanya'lı (Louise Brown) idi ki (Lesley Brown) onu dünyaya getirdi. Bu işlem, 10.11.1977 yılında iki doktor (Stephoe ve Edwards) tarafından gerçekleştirilmiştir. Adı geçen doktorlar tarafından erkek ve kadının sperm ve yumurta örneği alınarak rahim dışında laboratuvar ortamında dölleme sağlandı ve bu sayede o kız çocuğu dünyaya geldi ve adını Louise Brown koydular. Bu kız çocuğu sonraları yapay çocuk olarak şöhret buldu. Bu araştırmanın sebepleri, yapay döllemenin anlamı ve çeşitleri, sebeplerinin tanınmasıydı ki birtakim insanlar bu fenomene yönelmişlerdi. En önemlisi de yapay döllemenin caiz olup olmadığı ve şer'i hükmünün açıklığa kavuşturulması oldu. Bu ilmî makalenin araştırılmasındaki yöntem kütüphanedir. Yani bu makalenin ürünleri saygın ilmî kitaplardan ve İslamî eserlerin olduğu kütüphaneden elde edilmiştir. Makalenin düzenlenmesi de modern metotlar ve araştırmalar yoluyla hazırlanmıştır.

مقدمه

الحمد لله رب العلمین والصلاة والسلام علی خیر خلقه محمد و علی آله و اصحابه اجمعین. اما بعد!

در عصری، که مادر آن بسر می‌بریم قضا یا و موضوعات گوناگون و جدید در هر زمینه روی کار آمده و با پیشرفت علم و تکنالوژی تحقیقات پیشرفته‌تری در هر عرصه همراه با تجارب علمی پیش‌رفته و متحول به میان است، از آن جمله تحولات در تحقیقات طبی جدید است، که در مورد جنین شناسی و مسائل مربوط به آن مانند اجهاض (سقط جنین)، منع حمل، تحدید نسل، بارور ساختن عقیم (القاح مصنوعی)، و دهها مسأله مشابه آن‌ها پدید آمده است، در دنیای امروزی از دیدگاه اکثریت جوامع غیراسلامی استفاده از عملیه‌های مذکور یک دست‌آورد مهم و حل مشکل محسوب می‌شود و در نظام‌های غیراسلامی اکثراً در کشورهای غربی به خاطر کنترل جمعیت، تداوی و معالجه افراد عقیم، رهایی از تکالیف باروری و ولادت در میان اقشار مرفه به شکل عمومی و حتی رسمی از این ابزارها استفاده می‌شود و این وضعیت به مرور زمان در جوامع اسلامی نیز سرایت کرده، و در میان تعداد زیادی از ممالک اسلامی به شکل سری و علنی کاربرد دارد، اما در کشور ما (افغانستان) این موضوع خیلی تازه و جدید وارد شده است، که دارد کم کم تعدادی از مردم با نام و نشان این پدیده‌ها آشنا می‌شوند و تعدادی دیگری هستند، که عملاً از این ابزارها چه در خارج از کشور و چه در داخل استفاده کرده اند، و برخی شفاخانه‌ها در ولایات مختلف کشور بخصوص در شهر کابل دست به همچو اقدامات طبی می‌زنند، درحالیکه اکثر مسلمانان کشور از حکم شرعی فرزندآوری از طریق القاح مصنوعی آگاهی درست ندارند، ولی در جستجوی معلومات اسلامی پیرامون این موضوع می‌باشند، خوشبختانه در شریعت اسلامی بحیث شریعت جامع و فراگیر، که در برگیرنده و تنظیم کننده امور و ابعاد مختلف زندگی بشریت در چهارچوب شریعت اسلامی و پاسخگوی تمام نیازهای بشریت می‌باشد، احکام و مسایل جدید و معاصر از جمله حکم فرزندآوری از طریق القاح مصنوعی نیز بیان شده، و بوسیله کوشش و زحمات فقهاء و دانشمندان اسلامی توضیح گردیده است، روی هم‌رفته جهت آگاهی بیشتر مسلمانان در مورد این موضوع خواستم مقاله علمی را تحت عنوان: (حکم فرزندآوری بوسیله القاح مصنوعی از نظر فقه اسلامی) تحریر نمایم.

اهمیت تحقیق موضوع هذا این است، که امروزه موضوع فرزندآوری از طریق القاح مصنوعی در جوامع غیراسلامی از دستاوردهای شان محسوب می‌شود، و بعداً این موضوع از کشورهای غیراسلامی در اکثر کشورهای اسلامی از جمله کشور عزیز ما افغانستان نیز سرایت کرده است. درحالیکه اکثر مسلمانان از حکم شرعی فرزندآوری از طریق القاح مصنوعی آگاهی درست ندارند، ولی در جستجوی دیدگاه مقدس اسلام پیرامون این موضوع هستند.

مهم‌ترین اهداف تحقیق هذا قرار ذیل اند:

واضح شدن زمان نشأت و تطور القاح مصنوعی

دانستن اسباب و عواملی که باعث می‌شود تعداد از مردم دست به القاح مصنوعی بزنند.

واضح شدن معنی و مفهوم القاح مصنوعی؛

واضح شدن انواع، اشکال و صورت‌های القاح مصنوعی؛

از همه مهم‌تر، تثبیت حکم شرعی القاح مصنوعی از نظر فقه اسلامی؛

مهم‌ترین سوالاتی، که در این موضوع مطرح است، اینک: القاح مصنوعی چیست؟، این پدیده از چه زمانی و باچه عواملی به وجود آمده و به کدام اهداف صورت می‌گیرد؟ انواع و صورت‌های فرزندآوری از طریق القاح مصنوعی چیست؟ از همه مهم‌تر حکم این پدیده از دیدگاه دین مقدس اسلام چیست؟ و... ان شاء الله تعالی در مقاله هذا کوشش می‌شود تا جهت توضیح هریک از سوالات مطرح شده در مورد موضوعات آتی بحث صورت گیرد: ۱- تعریف القاح مصنوعی و اصطلاحات مربوط به آن، ۲- تاریخچه‌ی فرزندآوری از طریق القاح مصنوعی، ۳- برخی قواعد شرعی در ارتباط باروری یا (انجاب)، ۴- اسباب و عوامل فرزندآوری از طریق القاح مصنوعی، ۵- حکم شرعی فرزندآوری از طریق القاح مصنوعی، ۶- مناقشه دلایل طرفداران این نظریه، ۷- یافته‌ها یا نتایج، ۸- نتیجه گیری از بحث.

پیشینه‌ی موضوع هذا این بوده است، که دانشمندان اندکی در ادوار مختلف، موضوع حکم شرعی فرزندآوری از طریق

القاح مصنوعی را در اکثر مطلق نوشته‌های‌شان به شکل ضمنی و غیر مستقل و آنها هم به زبان عربی مورد بحث قرار داده‌اند. روش تحقیق این مقاله علمی کتابخانه‌ای می‌باشد، یعنی مواد مقاله‌ها با استفاده از کتب معتبر علمی و اسلامی کتابخانه‌ها آماده گردیده، و ترتیب آن نیز به شکل میتوت معاصرنگارش مقاله علمی-تحقیقی- صورت گرفته است.

تعریف القاح مصنوعی: تعریف ف این موضوع به دو صورت ذیل صورت گرفته است:

الف، تعریف لغوی: القاح مصدر است از باب افعال (القح یلقح القاحاً) بر وزن افعال به معنی بارور ساختن، (آبستن کردن)، جفت‌گیری نمودن می‌باشد.^۱ و مصنوعی: بمعنی ساختگی، دست ساخته‌ی بشری یا غیر طبیعی.^۲

ب، تعریف اصطلاحی: القاح مصنوعی نظر به صورت‌های مختلف‌اش به عبارات مختلف تعریف گردیده است، اما در کل مفهوم آن‌ها با هم مساوی بوده، که بادر نظر داشت مجموعی تعاریف می‌توان این پدیده را چنین تعریف نمود: القاح مصنوعی بارور ساختن نطفه زن و مرد و باردار نمودن زن از طریق غیر طبیعی (بدون مجامعت زوجین) می‌باشد.^۳

تاریخچه فرزندآوری از طریق القاح مصنوعی

اولین طفلی که از طریق القاح مصنوعی به دنیا آمد (لویز براون) بریتانیایی بود، که (لیزلی براون) آن را تولد نمود، این عملیه در ۱۰ نوامبر ۱۹۷۷م توسط طبیبان هریک (استبتوا وادواردز) انجام شد، طبیبان موصوف تخمه‌های خانم متذکره را با آب منی شوهرش درخارج رحم توسط آلات طبی القاح نمودند، که در نتیجه آن طفل دختر بمیان آمد و نام وی را (لویز براون) گذاشتند، و بعداً بنام طفل انبوی (از تخمه‌ی القاح شده درخارج از رحم)، مصنوعی (از تخمه‌ی القاح شده ی داخل رحمی) شهرت یافت، که اخبار آن در تمام دنیا نشر گردید، و توجه تمام رسانه‌ها را به خود جلب نموده، به تعقیب آن صدها طفل دیگری به همین طریق در اماکن مختلف به دنیا آمد و همزمان با این پدیده مجموعه‌ی از قضایا و مفاسد اخلاقی و اشتباهات بروز نمود و جوامع غربی به فرقه‌های مخالفین و موافقین نسبت به این موضوع تقسیم شدند، سخن تا بجایی رسید که (ادواردز) طبیب مخترع یا موسس تولید انسان از طریق القاح مصنوعی گفت: ضرورت و نیاز شدید است تا قوانین و آداب اخلاقی در این مورد وضع شود.^۴

بعد از طفل اولی، طفل دیگری به همین شکل از رحم اجاره‌ی به دنیا آمد، که بعد از ولادتش در بین اجیر (صاحب رحم) و مستاجر (صاحب منی) نزاع بوجود آمد و موضوع به محاکم انگلیسی کشانیده شد؛ زیرا مادری که نطفه در رحم وی القاح شده بود و طفل را بدنی آورده بود حاضر نبود تا طفل را به صاحب نطفه بر گرداند با وجود آنکه در اول با صاحب نطفه قراردادای را مبنی بر تسلیم نمودن طفل بعد از تولد شدنش امضاء کرده بود، به مرور زمان و گذشت ایام اسالیب و صورت‌های مختلف فرزندآوری از طریق القاح مصنوعی درکنار قضایای مهم دیگر مشابه به آن به میان آمد، زمانیکه طبیبان غربی شروع به تجارب طبی در این زمینه نمودند و نطفه انسان را در معرض تست‌های طبی قرار دادند، تحقیقات طبی دیگری پیرامون مسائل مختلف مرتبط به القاح مصنوعی نیز به میان آمد به طور مثال: بمیان آمدن بانک اسپرم به اجاره گرفتن شکم‌ها، که به مادرهای بالوکاله نیز مسمی شده بود، مادر متبرعه (بخشش کننده تخمه)، پدر متبرع، طفل انبوی (از تخمه ی القاح شده درخارج از رحم)، مصنوعی (از تخمه ی القاح شده داخل رحمی)، رحم حاضنه (محل رشد جنین) که بعداً به بطون اجاره ی شهرت یافت و غیره.^۵

توضیح برخی از اصطلاحات طبی مربوط به این موضوع

الامشاج: به معانی اخلاط و آمیخته است، چنانچه خداوند متعال فرموده است: ﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ﴾ (الإنسان، ۲) (به تحقیق آفریدیم انسان را از منی در هم آمیخته).

^۱ محمد معین، فرهنگ معین (تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۸ش)، ۱۴۸.

^۲ عبدالحق حقانی، چراغ حکمت، شماره اول (پروان: دانشگاه پروان، ۱۳۹۴)، ۹۰.

^۳ وهبه الزحیلی، الفقه الاسلامی وادلته (دمشق: مکتبه دارالفکر، بی تا)، ۱۹۸.

^۴ محمد مؤمن، سخنی درباره تلقیح، مجله فقه اهل بیت، شماره چهارم (قم: موسسه مطبوعاتی نشرالاسلامی ۱۳۸۱)، ۷۴.

^۵ بکر بن عبدالله ابو زید، فقه النوازل (مصر: موسسه رساله، ۱۴۱۶ق)، ۲۶۲-۲۵۹.

این امشاج از آمیختن آب زن و شوهر به میان می‌آید و از اثر یکجا شدن هسته بیضه مونث با هسته منوی مذکر، القاح یا تعامل صورت گرفته و بجایی که خداوند برای‌شان به این قولش (فجعلناه فی قرار مکین) تعیین کرده که عبارت از رحم زن است انتقال نموده و مستقر می‌شود، بعد از تمام شدن این تعامل شروع به انقسامات حجره امشاجی نموده یک حجره دو می‌شود، دو چهار و چهار هشت و به همین ترتیب تا که به مرحله توتته (پارچه ی توت مانند) می‌رسد و این عملیه از آغاز القاح تا به روز چهارم را در بر می‌گیرد، بعد از آن این توتته به کره جرثومیه (هسته) در داخل رحم تبدیل می‌شود برای همین امشاج که به مرحله جرایم یا جراثیم (هسته ی طفل) رسیده است به گفته حتوت یکی از طبیبان معروف در کتابش (الانجاب) حیوانات منوی گفته می‌شود. و تخمه‌ها وقتی با هم شبکه می‌شوند به شکل دو بازوی قیچی ملازم هم‌دیگر در می‌آیند، و وقتیکه التیام می‌یابند با هم یکجا می‌شوند به شکل یک حجره در می‌آیند و همین ابتداء حیات و دوره تکوین انسان است. و بعد از آن این حجرات به ۲-۴-۱۶-۳۲-۶۴-۱۲۸ تقسیم می‌شوند. به همین ترتیب به شکل تدریجی حجرات کلان‌تر خوردتر و متوسط بوجود آمده تا در مدت دو ماه (شصت روز) به یک انسان کوچک تبدیل شده به نموء کردن شروع می‌کند.^۶

ام المستعار (مادر عاریتی): آن زنی است، که رحم آن به عاریت گرفته شده (بیضه‌های زن دیگر در رحم آن القاح گردیده) که بنام شکم اجاره‌ی نیز مسمی گردیده است.

نطفه - منی: آب منی مرد (حیوانات منوی).

بیضه: یا بویضه تصغیر بیضه است در اینجا مراد از آن آب یا حجره مونث می‌باشد.

حاضنه: مادری که در داخل رحم آن بویضه زن اجنبی یا منی مرد اجنبی قرار داشته باشد. همچنان این نوع مادر را مادر عاریتی نیز گفته شده است.^۷

رحم: رحم عبارت از حوض حقیقی است، که حجره‌های منوی زن و شوهر در آن ملاقی شده به جدار رحم تعلق گرفته به

خون بسته تبدیل شده بعد از آن به تدریج نمو می‌کند تا آنکه به پارچه گوشت جویده تبدیل شده و از پارچه گوشت جویده به استخوان و بعد این استخوان‌ها را گوشت می‌پوشاند بعداً خداوند آن را به مخلوق دیگری (انسان زیبا) تبدیل می‌نماید، فتبارک الله احسن الخالقین.

شتل الجنین: شتل به معنی قطع و شتل الجنین یکی از اصطلاحات مستعمله برای رحم طئر (فاقد صلاحیت بارداری) می‌باشد و حقیقت آن این است که شخص با زوجه اش جماع کند ولی زوجه صلاحیت حمل را ندارد بعد از مجامعت آب منی آمیخته شده با آب زوجه را گرفته به رحم زن شوهردار دیگری بطریقه طبی و توسط آلات طبی انتقال می‌دهد و زن دوم آن را الی وقت زایمان حمل می‌نماید، همین طریقه نقل را شتل گفته شده.^۸

لقیحه: لقیحه بیضی القاح شده را گویند.

مضیفه: زنی که بیضه القاح شده در رحم آن انتقال داده شده است "حاضنه" هم گفته می‌شود.

مواجر البطن: (بطن اجاره‌ی) که به نام‌های الام بالو کاله، و آن زنی است که حامل نطفه یا جنین غیر است.

متبرع و متبرعه: مرد و زنی که منی و بویضه‌ی‌شان را برای زن شوهردار دیگری تبرع می‌کند.^۹

برخی قواعد شرعی در ارتباط باروری یا (انجاب)

^۶حسان حتوت، الانجاب (دمشق: مکتبه دارالفکر، بی تا)، ۲۱۷.

^۷حرم پناهی محسن، تلقیح مصنوعی، فصلنامه فقه اهل بیت، شماره نهم و دهم (قم: موسسه مطبوعاتی، ۱۳۸۰)، ۷۵.

^۸محسن، تلقیح مصنوعی، فصلنامه فقه اهل بیت، ۷۹.

^۹حقانی، چراغ حکمت، شماره اول، ۹۲-۹۳.

هدف از ذکر قواعد شرعی در مقدمه بحث روشن شدن موضوع است با استدلال از نصوص شرعی:

قاعده اول: بینش انسانی و عادت بشریت در این است که عملیه انجام بارداری یا حامله شدن مطابق فطرت بشریت از التقاء اعضای تناسلی بین زن و شوهر آغاز می‌گردد و حیوانات منوی زوج با تخمه‌های زوجه یکجا علوق می‌گیرند تا که در خلال چند مرحله نموء نموده، و روح در آن دمیده شده و عملیه حاملگی به ولادت منتهی می‌شود.^{۱۰} چنانچه خداوند متعال فرموده است: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ﴿۱۰﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ﴿۱۱﴾ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَارَكُ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ﴿۱۲﴾﴾ (المومنون، ۱۴)، (و هر آینه آفریدیم انسان را از عصاره‌ای از گل، پس گردانیدیم آن را نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن، پس ساختیم آن نطفه را خون بسته پس ساختیم آن خون بسته را پاره گوشت پس ساختیم آن پاره گوشت را استخوان‌ها پس پوشانیدیم استخوان‌ها از گوشت باز آفریدیم او را آفرینش دیگر، پس بزرگ است الله که نیکوترین آفرینندگان است).

و قال تعالی: ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿۱۰﴾ خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ ﴿۱۱﴾ يُخْرَجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ﴿۱۲﴾﴾ (الطارق، ۷)، (پس باید ببیند انسان که از چه چیز آفریده شده، آفریده شده از آب جهنده که می‌برآید از میان پشت و استخوان‌های سینه).

وقال تعالی: ﴿أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ﴿۱۰﴾ فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ﴿۱۱﴾ إِلَى قَدَرٍ مَعْلُومٍ ﴿۱۲﴾ فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ ﴿۱۳﴾﴾ (المرسلات، ۲۳)، (آیا نیافریدیم شما را از آب بی‌قدر؟ پس نهادیم آنرا در قرارگاه استوار؟ تا مدت مقرر باز پوره کرده توانستیم آنرا پس نیکو تواناییم ما).

قاعده دوم: هر مولود را به پدرش یک پیوند است: که آن عبارت از تکوین و وراثه بوده و اصل آن حیوان منوی از پدر می‌باشد.^{۱۱}

و با مادرش دو پیوند دارد:

پیوند تکوین و وراثه، که اصل آن بویضه یا تخمه مادر است.

پیوند حمل و ولادت و حضانت، که اصل آن رحم مادر است.

از جهت همین رابطه است که طفل را شرعاً و طبعاً منسوب به والدینش می‌سازد و به غیر از این رابطه، هر رابطه‌ی دیگری باعث قطع صله رحمی و عطف در کانون خانواده می‌شود، مزید بر آن در آیات قرآنی مانند این آیه: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ﴿۱۰﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ﴿۱۱﴾﴾ (المومنون، ۱۳) (و هر آینه آفریدیم انسان را از عصاره‌ای از گل، پس گردانیدیم آنرا نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن، به اتفاق همه مسلمین مراد از قرار مکیں رحم مادر شرعی است نه غیر آن و همچنان مراد از نطفه، نطفه محترمه من کل وجوه می‌باشد، که آن نطفه از خود زوجین است).

همچنان در این قول خداوند متعال: ﴿وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ﴿۱۰﴾ مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تَمَنَّى ﴿۱۱﴾﴾ (النجم، ۴۶) (و هم اوست که دو نوع می‌آفریند نر و ماده، از نطفه‌ی چون فرو ریخته شود)، مراد از نطفه نطفه محترمه من کل وجوه می‌باشد و آن نطفه از خود زوجین است که محل امتنان از جانب الله متعال بر بندگانش می‌باشد از همین جا است، که خداوند بر حضرت مریم علیها رحمه منت گذاشته. و می‌فرماید: ﴿يٰٓأَيُّهَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْئَلِيهِ فَيُعْطِ قَدْرَ حَاجَتِكَ قَدْرًا ﴿۱۰﴾﴾ (المريم، ۲۸)، (نبود پدر تو مرد بد و نبود مادرت بدکار)، و فرموده است: ﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا ﴿۱۰﴾﴾ (النحل، ۷۸)، (والله بیرون کرد شما را از شکم‌های مادران تان در حالیکه هیچ چیزی را نمی‌دانید)، و فرمود: ﴿إِنَّ أُمَّهَاتَهُمْ إِلَّا الْإِثْمَانُ ﴿۱۰﴾ وَوَلَدْنَهُمْ ﴿۱۱﴾﴾ (المجادله، ۲) (نمی‌باشد مادران ایشان مگر آنانیکه زائیده ایشانرا). و فرمود: ﴿خُلِقْتُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ ﴿۱۰﴾﴾ (الزمر، ۶) (می‌آفریند شما را در شکم‌های مادران تان آفرینشی پس از آفرینش) و فرموده است: ﴿وَإِذْ أَنْتُمْ أَحْبَبَةٌ فَمِنْ أُمَّهَاتِكُمْ ﴿۱۰﴾﴾ (النجم، ۳۲) (و قتیکه شما جنین‌ها بودید در شکم‌های مادران تان)، و فرمود: ﴿وَصَبَّأْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ ﴿۱۰﴾ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ ﴿۱۱﴾﴾ (لقمان، ۱۴)، (نبرد داشت او را مادرش در حالیکه سست شدن بعد سست شدن).

قاعده سوم: در بین مضرت و منفعت تقابل است هر کدام که غالب شد از لحاظ حل و حرمت حکم برای غالب آن تعلق می‌گیرد و اگر برابر (مساوی) باهم دیگر بود، جانب حذر ترجیح داده می‌شود (اگر فایده القاح از ضرر آن بیشتر بود باید القاح کرده شود، در صورت عکس فرضیه متذکره القاح صورت نمی‌گیرد و همچنان در صورت مساوی بودن فایده القاح و ضرر آن، جانب ضرر رجحت

^{۱۰} ابو زید، فقه النوازل، ۲۴۶.

^{۱۱} مؤمن، سخنی درباره تلقیح، مجله فقه اهل بیت، ۹۰.

داده شده از القاح صرف نظر صورت می‌گیرد)، برخی گفته‌اند نظر به مجال نظر فقهی است.

بنابراین انواع القاح مصنوعی تابع همین قاعده بوده، و جوانب ضاره و نافع آن نیز بر همین قاعده بناء می‌گردد.^{۱۲}

قاعده چهارم: از لابلای نصوص شرعی چنین برداشت می‌شود، که جسد انسان و منافع آن در اختیار انسان است، ولی حق تصرف در این ملک را ندارد مگر در حدود شریعت، پس تصرف آن نیز شرعاً موقوف به مصلحت می‌باشد، چنانچه نعمت نظر مملوک برای انسان است لکن نظر نمودن آن بسوی آنچه که حرام است، برایش جواز ندارد، و یا چنانچه شهوت غریزه طبیعی برای انسان است، که به آن ترکیب یافته، و اشباع آن توسط مقاربت زوجیت مشروع گردیده، پس اشباع یا اطفاء آن از طریق زنا، لواطت، و استمناء حرام است، و یا چنانچه شریعت اسلام وطی نمودن را جهت تولد و تناسل توسط نطفه‌ی زوجیت حلال گردانیده، بناءً از طریق نطفه غیر زوجیت حرام است.

قاعده پنجم: در موارد حاجت و ضرورت فتوی عمومی داده نمی‌شود، هرگاه کسی به چنین مسأله‌ی مبتلاً شد باید طلب فتوی کند از کسی که اهل فتوی بوده، و از لحاظ دیانت و علمیت نیز مناسب باشد.

قاعده ششم: آنچه بر انسان مسلمان متعین است پیروی و تسلیم شدن به شریعت الله متعال است، بناءً بر عکس آن به اجماع علماء جواز ندارد.

قاعده هفتم: وجائب و مکلفیت‌های اهل علم استوار نمودن پدیده‌های جدید است بر قواعد عمومی شریعت الهی و منع کردن مردم از آغشته شدن به شطحات و هفوات (اشتباه و امور و کلمات کفرآمیز) علوم جدیده، و همچنان از وجائب اهل اسلام پیروی نمودن از این قواعد و فتاوی علماء و مجتهدین است.^{۱۳}

قاعده هشتم: حفظ نسب و آبرو از مقاصد اساسی شریعت می‌باشد، و این دو از ضروریات و کلیات خمسسه‌ی است که احکام شریعت اسلامی برای حفظ آن صادر گردیده و عبارتند از: ۱- حفظ دین؛ ۲- حفظ حیات؛ ۳- حفظ عقل؛ ۴- حفظ نسل و اولاد؛ ۵- حفظ ملک

و مال.^{۱۴}

پس لازم و ضرور است که این نطفه انسانی از وقت دفع آن بلکه در تمام مراحل تکوین، نمو و استهلالش، صاف پاکیزه و خالی از هر نوع خدشه و شکوک و مصئون از مخاطره باشد نظر به حساسیت آن در اثر پذیری از چیزی که اخلال وارد می‌کند به کرامت انسانی، از همین لحاظ است که تحریم زنا و قذف از احکام‌های قطعی در دین مبین اسلام بوده، تمام راه‌های جهت دهنده بسوی این‌ها را مسدود ساخته است، بسیار سؤالات و ابهامات دیگری، که بر زن‌ها مجال وسیعی را توسط این عملیه برای قذف و خدشه و طعن و جرح مهیا می‌سازند، و همچنان ابهامات در مورد نسب، میراث، نفقه و سایر حقوق مادی و معنوی طفل و مادرش را به بار می‌آورد.^{۱۵}

اسباب و عوامل فرزندآوری از طریق القاح مصنوعی: عمده‌ترین سبب فرزندآوری از طریق القاح مصنوعی عقامت یا بی‌اولادی است و همچنان عدم تولد شدن یک جنس معین از اطفال مثلاً کسانی که فرزندش همیشه دختر است پسر ندارد، یا بر عکس آن، که بخاطر تولد جنس مورد نظرش از القاح مصنوعی کار می‌گیرد، ولی برخی اسباب و عوامل دیگری نیز وجود دارد که قرار ذیل اند:

۱- اسباب و عوامل فرزندآوری از طریق القاح مصنوعی داخلی

ضعیف بودن حیوانات منوی جنس مرد، که منی را جمع نموده در هنگام آماده شدن زمان باروری زن در رحم آن داخل می‌کند.

وقتی که حموضت (مواد ترشی) مهبل جنس مونث حیوانات منوی شوهر را از بین ببرد.

وقتی که تضاد ممانعتی بین (حجرات منوی) زن و شوهر وجود داشته باشد.

^{۱۲} محمدالمثمینی ابن صالح، کتب و رسایل، المكتبة الشاملة قسم فقه عام و فتاوی، الاصدار الثالث (بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا)، ۳۵.

^{۱۳} حقانی، چراغ حکمت، ۹۴-۹۵.

^{۱۴} عبدالکریم شرعی جوزجانی، حقوق اسلام، مذهب حنفی و فقهای تورکستان (کابل: انتشارات سعید، انتشارات سعید، ۱۳۹۱)، ۴۶.

^{۱۵} محمد مؤمن، کلمات سدیدة فی مسایل جدیدة (قم: موسسه مطبوعاتی نشرالاسلامی، ۱۴۱۵ق)، ۷۵.

وقتی که زوج مصاب به انزال سریع (عدم توانای بردخول) باشد.

در صورتی که افزایات عنق رحم مانع دخول حیوانات منوی شود.

در صورتی که شوهر مصاب به مرض سرطان باشد و بخاطر تداوی آن توسط اشعه، یا دویه‌های ضد سرطانی منجر به عقامت شود، در این حالت منی مدفوع را گرفته در جای مناسب نگهداری کرده و در وقت مناسب در رحم زن القاح می‌کنند.^{۱۶}

۲- اسباب و عوامل فرزندآوری از طریق القاح مصنوعی خارجی

بمیان آمدن انتباز در آستر رحم (به میان آمدن عوارض در سطح داخلی رحم)

بروز تضاد ممانعی در دستگاه تناسلی زن

بروز تضاد ممانعتی در دستگاه تناسلی مرد

عیوب شدیده در منی زوج مانند قلت منی، قلت حرکت، کثرت حیوانات منوی بی‌جان

افزایات مضره عنق (اولی) رحم بالای حیوانات منوی

اسباب نامعلوم نزد مرد، یا زن که سبب قلت خصوبه (بارور) دستگاه تناسلی می‌شود و به جز الله متعال هیچ کسی دیگری علت عقامت آن را نمی‌داند.^{۱۷}

انواع القاح مصنوعی فرزندآوری

القاح مصنوعی نظر به اعتبارات مختلف دارای انواع مختلف است مثلاً: به اعتبار مکان القاح یا مکان زرع به دو بخش عمده تقسیم می‌شود:

القاح مصنوعی فرزندآوری داخلی

القاح مصنوعی فرزندآوری خارجی^{۱۸}

الف داخلی

ب: خارجی^{۱۹}.

به اعتبار آب نیز به دو بخش تقسیم می‌شود:

القاح ذاتی: یعنی القاح آب خود زوجین در رحم زوجه که دارای دو صورت است:

القاح غیر ذاتی یا خارجی: یعنی اینکه یکی از دو آب یا هر دوی آن اجنبی باشد.

به اعتبار رحمی که لقیح در آن زرق می‌شود به سه دسته تقسیم می‌شود.

۱- رحم خود زوجه

۲- رحم زن اجنبی

رحم ضره‌وی (انباق یازن دیگرشوهر)^{۲۰}

به اعتبار زوجیت به دو بخش تقسیم می‌شود:

^{۱۶} احمد شرف الدین، الطب الاسلامی (مصر: مکتبه دارالاسلام، ۱۴۲۲ق)، ۳۹۳. برای معلومات بیشتر: ابو زید، فقه النوازل، ۲۴۹، حتوت، الانجاب، ۱۴۱-۱۴۲.

^{۱۷} بی‌نا، مجله مجمع الفقه الاسلامی، بی‌تا، ۱۶۹.

^{۱۸} محمد یزدی، باروری های مصنوعی وحکم فقهی آن مجله فقه اهل بیت، شماره پنجم وششم (قم: موسسه مطبوعاتی نشرالاسلامی، ۱۳۸۰)، ۸۷.

^{۱۹} مؤمن، کلمات سدیده فی مسایل جدیده، ۷۶.

^{۲۰} افتاوی الشبکه الاسلامیه (قاهره: وزاره الاوقاف المصریه، بی‌تا)، ۴۷.

اول: آنکه عملیه القاح در بین زوجین صورت بگیرد (هم منی، هم بیضه، و هم رحم از زوجین باشد).
دوم: آنکه طرف سوم آن اجنبی باشد، یا محض اجنبی باشد (کل آن) یا دو طرف آن، این دو قسم اخیر به اعتبار طریقه، دو نوع است: ۱- داخلی ۲- خارجی.^{۲۱}

بخش اول: القاح مصنوعی داخلی فرزندآوری: القاح مصنوعی داخلی فرزندآوری این است، که آب منی مرد را گرفته در محل مناسب در داخل رحم زن خواه زوجه باشد، یا غیر زوجه، داخل می‌نماید، و این دو صورت دارد.

صورت اول: اینکه حیوانات منوی جنس مذکر را از نطفه شوهر گرفته، و در موقع مناسب رحم زوجه‌اش توسط آله داخل کرده می‌شود تا آنکه نطفه با التقاء طبیعی با تخمه‌های که تخمدان‌های زن آنرا افزای می‌نماید، ملاقی شده و عملیه القاح در بین هردو صورت می‌گیرد و بعداً در جدار رحم به اراده الله متعال علوق می‌گیرد. چنانچه در جماع صورت می‌گیرد، این اسلوب را شوهر وقتی استفاده می‌نماید، که به سبب از اسباب از ایصال آب منی در موضع مناسب آن از طریق جماع عاجز باشد.^{۲۲}

صورت دوم: اینکه آب را از مرد بیگانه گرفته در جای مناسب رحم زوجه‌اش زرق شود تا آنکه تلقیح داخلی صورت گرفته و بعد از آن علوق بمیان می‌آید، به این عملیه وقتی دست می‌زنند که شوهر عقیم بوده و در آب منی وی حیوانات منوی (تخمه) یا کروموزوم‌ها وجود ندارد از این جهت نطفه مردانه را از شخص دیگری می‌گیرد.^{۲۳}

بخش دوم: القاح مصنوعی خارجی فرزندآوری: القاح مصنوعی خارجی فرزندآوری این است که آب‌های منی زن و شوهر یا غیر زن و شوهر را گرفته، در انبوه (تیوب) قرارداده، بعد از انجام شدن القاح، آنرا در محل مناسب رحم زن ملقاح الیها زرق می‌کنند، این پنج صورت دارد.

صورت اول: اینکه نطفه را از شوهر و بویضه را از زن گرفته، و هردو را در یک، "تیوب تست" تحت شرایط معین قرار دهند تا آنکه نطفه زوج با بویضه زوجه در داخل ظرف مخصوص القاح نماید و لقیحه آن وقتیکه شروع با انقسام و تکثیر نمود، در وقت مناسب آنرا از ظرف گرفته در رحم زوجه انتقال دهد تا در جدار رحم علوق گرفته، نموء می‌کند و مانند سایر جنین شکل گرفته در انتهای مدت حمل یا پسر یا دختر از آن متولد می‌گردد.^{۲۴}

زن‌های که از اثر انسداد قنات فالوب (مجرای که تخمه را از طریق خود به رحم انتقال می‌دهد) عقیم گردیده، اکثراً دست به همین نوع القاح می‌زنند.

صورت دوم: اینکه تلقیح خارجی در بین آب منی زوج و بویضه زن اجنبی، که متبرعه نیز برایش گفته می‌شود، صورت بگیرد، و بعداً این لقیحه در رحم زوجه متقاضی زرق شود، به این عملیه وقتی دست می‌زنند که بویضه زوجه معطل یا مستاصل (بیکاره) باشد، ولی رحم آن سالم و قابلیت علوق لقیحه را دارا باشد.^{۲۵}

صورت سوم: اینکه تلقیح خارجی در بین نطفه مرد بیگانه و تخمه زن بیگانه‌ای که شوهر ندارد صورت گرفته و بعد آنرا در رحم زن بیگانه دیگری که شوهردار است زرع نماید، به این عملیه وقتی دست می‌زنند که زن به سبب تعطیل تخمه عقیم گردیده و رحم وی سالم باشد و مرد عقیم می‌باشد.

صورت چهارم: اینکه القاح خارجی در بین نطفه زن و شوهر صورت بگیرد، اما بعد از القاح آن را در رحم زن بیگانه‌ای دیگری، که لقیحه‌ی آن را تبرعاً حمل خواهد نمود، انتقال دهند، با این اسلوب وقتی دست می‌زنند، که رحم زن به سبب کدام علتی قابلیت حمل را ندارد، بناءً رغبت به حاملگی ندارد و زن دیگری به حمل لقیحه‌ی آنان داوطلبانه و یا هم به اجاره حاضر می‌شود.

صورت پنجم: عین صورت چهارم است با تفاوت این که زن متبرعه (حمل کننده ی بدون مزد) زن دیگر همین شخص باشد، که نطفه‌ی شوهرش را یکجا با تخمه انباق خود حمل می‌کند، این اسلوب در ممالک غربی که در قانون آن‌ها تعدد زوجات منع قرار گرفته صورت نمی‌گیرد، بلکه در ممالکی که تعدد زوجات در آن جواز دارد صورت می‌پذیرد.^{۲۶}

حکم شرعی فرزندآوری از طریق القاح مصنوعی: حکم تمام صورت‌های یادشده را اگر از لحاظ حل و حرمت به طور موجز و

^{۲۱} زحیلی، الفقه الاسلامی وادلته، ۱۱۴-۱۱۵.

^{۲۲} محمد مؤمن، کلمات سدیدة فی مسایل جدیدة، (قم: موسسه مطبوعاتی نشرالاسلامی، ۱۴۱۵ق)، ۷۷-۷۸.

^{۲۳} محمد یزدی، باروری های مصنوعی وحکم فقهی آن مجله فقه اهل بیت، ۸۶.

^{۲۴} ابو زید، فقه النوازل، ۱۶۲-۱۶۳.

^{۲۵} آحتوت حسان، الانجاب (دمشق: مکتبه دارالفکر، بی تا)، ۲۱۹.

^{۲۶} شرعی جوزجانی، حقوق اسلام، مذهب حنفی و فقهای، ۴۶.

مختصر بیان کنیم می توان آنرا به دو بخش تقسیم نمود: الف- صورت‌های که از دید گاه همه فقهاء ناجایز است. ب- صورت‌های که در جواز وعدم جواز آن اختلاف نظر وجود دارد به شرح ذیل:

الف: صورت‌های که به نظر تمام فقهاء ناجایز است: اقدام نمودن به این صورت‌ها برای هیچ کسی جواز ندارد و شامل صورت‌های اول (که یکی از نطفه‌ها اجنبی است) و صورت دوم القاح داخلی و صورت دوم، سوم، و چهارم القاح خارجی می‌شود. در مورد دلایل ن قلی

عدم جواز یا حرمت آن تمام قواعد بیان شده با استدلال از آیات قرآنی و حدیث نبوی درمطالب قبلی بیان شد، که از جهت اختصار موضوع از تکرار این دلایل صرف نظر می‌کنیم، اما دلایل عقلی مبنی بر حرمت القاح مصنوعی را می‌توان در چند نکات آتی خلاصه نمود:

وقتی که زن از دو تخمه‌ی اجنبی یا از بیضه خودش و تخمه‌ی مرد اجنبی حامله شده باشد؛ پس این حمل سفاح (نامشروع) بوده، در شریعت اسلامی حرام قطعی لذاته می‌باشد، که در حرام بودن آن هیچ اختلافی بین علما وجود ندارد. و این مطلبی است، که فطرت سلیم انسانی و عقول قویمه به جواز آن حکم نمی‌کند، و به این نوع ولد "ولد الزنا" گفته می‌شود، چنانچه شیخ شلتوت در مورد، دلایل شرعی آن در فتاوی خود ص ۳۲۸-۳۲۹ ذیلاً توضیحات داده است:

قیام زوجیت میان زوجین، رحم مشروع از همسر مشروع، و نطفه زوجین از جمله عناصر اساسی رابطه پدری، مادری، پسری و دختری می‌باشد، که تمام مسایل و احکام شرعی متعلق به کانون خانواده و اجتماع بر اساس آن استوار است، پس در صورت مفقود شدن روابط فوق نسب طفل مبهم باقی مانده، سبب نزاع‌ها و مفاسد خانوادگی و اجتماعی خواهد شد.

احصایه نشان داده است که در نتیجه القاح مصنوعی و بروز دعوی و خصومت میان صاحب نطفه و رحم اجاره‌ی یا میان صاحب دو آب اجنبی بسا اطفال بدون پدر باقی مانده است و منسوب به شخص معین نمی‌باشند، درحالیکه از حقوق مسلم طفل ثبوت نسب او است، چنانچه در اسلام نسب هر کودک، که تولد می‌شود قطعاً باید معلوم باشد.^{۲۷}

ب: صورت‌های، که مورد اختلاف علما قرار گرفته‌اند: در جواز وعدم جواز این صورت‌ها اختلاف نظریات فقهی وجود دارد، که شامل صورت‌های اول (تلقیح داخلی باشد، یا خارجی) میان نطفه خود زوجین و صورت پنجم تلقیح خارجی می‌شود به شرح ذیل:

الف: در صورتی که القاح آب خود زوجین در رحم خانم به القاح داخلی باشد، یا خارجی، دو نظریه موجود است:

نظریه اول جواز این نوع القاح: اصحاب این نظریه گفته‌اند، که این صورت القاح جایز است به دلایل ذیل:

۱- این نوع القاح مانند تلقیح طبیعی است، چنانچه القاح طبیعی آن جایز است، پس مصنوعی آن نیز جایز می‌باشد، زیرا به هر دو طریق تولید نسل شرعی حاصل می‌شود.

۲- در این نوع تلقیح در واقع تحقق بخشیدن یکی از مقاصد شرع است، که آن عبارت از حفظ نسب انسان‌ها می‌باشد.

۳- این نوع تلقیح یک نوعی از معالجه مباح در شریعت اسلامی می‌باشد، اما با وجود دلایل فوق شرایط ذیل نیز باید در نظر گرفته شود:

اینکه کشف عورت در وقت عملیه القاح بقدر ضرورت باشد.

اینکه متولی معالجه این چنین زن به ترتیب، اول طبییه مسلمان باشد، اگر ممکن نبود طبییه کافره و اگر این حالت نیز امکان نداشت طبییه مسلمان و اگر این حالت هم ممکن نبود در آخر طبییه غیر مسلمان.

در وقت معالجه خلوت صورت نگیرد.

اتلاف آنچه که زیاد می‌شود از هر دو آب زن و شوهر.

اینکه عملیه تلقیح در موجودیت خود زوج و به رضایت وی صورت گیرد.

^{۲۷} محمدالمثمین ابن صالح، کتب و رسائل، المكتبة الشاملة قسم فقه عام و فتاوی، الاصدار الثالث، ۳۵.

در نظر گرفتن تمام تدابیر و احتیاط لازم جهت عدم اختلاط نسب است.^{۲۸}

نظریه دوم. عدم جواز مطلقاً: صاحبان این نظریه گفته‌اند، که به هیچ صورت القاح مصنوعی جواز ندارد به دلایل ذیل :

- ۱- بارور ساختن معروف همانا از طریق جماع است، که قرآنکریم به آن اشاره کرده و از آن به "حرث" (کشتزار) یاد نموده است.
- ۲- از جهت سد ذریعه تا آنکه نطفه‌ی یک شخص منسوب به شخص دیگری نشود، یا در بیضه زن اجنبی زرع نگردد.
- ۳- وسعت بخشیدن به این طریقه منجر به کثرت شکوک در مورد نسب شده، آبروی یک مسلمان از این طریق به مخاطره می‌افتد، درحالیکه حفظ عرض (آبرو) یکی از مقاصد عمده شریعت اسلامی است.^{۲۹}

مجمع فقه الاسلامی نیز این نوع تلقیح را در صورت ضرورت و حاجت جواز داده، مگر اینکه برای مسلمان غیرت‌مند در دین‌شان نصیحت کرده است، که به این نوع تلقیح نیز مراجعه نکنند، مگر درحالت ضرورت بسیار شدید و با نهایت احتیاط از اختلاط نشدن نطفه‌ها و نسب، زیرا در تلقیح مصنوعی در مجموع ولو القاح جایز هم باشد یک سلسله شک‌ها و التباسات وجود دارد و همچنان احتمال اختلاط نطفه و نسب در ظروف مخصوص امتحانی نیز ممکن است، خصوصاً وقتیکه این چنین عملیات زیاد شود، چنانچه دکتور محمد البار؛ برخی از اضرار و محاذیری را، که در نتیجه عملیه القاح به میان می‌آید ذیلاً بیان کرده است:

- ۱- بسیاری از متبرعین (بخشش کننده گان) منی، مجهول الحال و مصاب به یکی از امراض تناسلی می‌باشند، که این مرض تناسلی بسوی زن ملقاح الیها نیز انتقال خواهد یافت.
- ۲- بانک‌های منی، منی یک شخص را برای زن‌های متعدد القاح یازرق می‌کنند.
- ۳- ابهام و جهل در نسب‌های که در نتیجه این عملیه متولد می‌گردد.
- ۴- انتسابات و نموی منی در ظروف مخصوص آن و حتی در وقت گرفتن زن منی شوهرش را بعد از وفات شوهر، که اشکالات زیادی را در مورد نسبت این نوع جنین بسوی شوهر و میراث بردن جنین از وی، از این عملیه نشأت می‌کند.
- ۵- باز کردن دروازه‌های بانک‌های تجارته منی.
- ۶- ایجاد شرکت‌های تجارته جهت فروش رحم‌های عاریتی.
- ۷- باز شدن دروازه تحکم (محکوم کردن) جنس جنین.
- ۸- باز شدن دروازه زرع تخمه‌های یک زن بجای تخمه‌های زن دیگر و زرع خصیه و رحم.
- ۹- ابا و ورزیدن صاحب رحم از تسلیم‌دهی جنین که از نطفه شخص دیگر است.^{۳۰}

ب: در صورت گرفتن نطفه زوجین و نهادن آن در رحم زن دیگری شوهر توسط تلقیح داخلی، یا خارجی:

مجمع الفقهی مکه مکرمه بار اول طی قرار پنجم (۵) دوره هفتم خویش این نوع القاح راجاز دانسته بود و دلیل جواز آن را هم حاجت و ضرورت تلقی نموده بود، اما سپس از این قرار خویش رجوع نموده و علت رجوعش را چنین بیان می‌کند: زنی، که در رحم وی تخمه‌ی زن دیگر القاح می‌شود علاوه از آن، از مقاربت شوهر خود نیز حامله می‌شود، پس از دو حالت ذیل خالی نیست:

- ۱- یا هر دو نطفه بطور توأم متولد می‌گردد، که در این حال دانسته نمی‌شود. کدام آن متولد از لقیحه است و کدام آن متولد از مقاربت شوهر؟
- ۲- یا اینکه یکی از این دو نطفه درحالیکه علقه یا مضعه است در شکم مادر می‌میرد، و این جنین مرده تا تولد نطفه دوم ساقط هم نمی‌شود،

^{۲۸} بحوث لبعض النوازل الفقهیه المعاصره. المكتبة الشاملة، الاصدار الثالث، ۲۸.

^{۲۹} ابو زید، فقه النوازل، ۲۷۲-۲۷۳.

^{۳۰} بی نا، مجله مجمع الفقه الاسلامی، بی تا، ۱۷۹.

در این حالت هم دانسته نمی‌شود، که این ولد از نطفه لقیحه است، یا حملی که از اثر مقاربت شوهر حاصل گردیده است، که این خود یکنوع اختلاط نسب می‌باشد.^{۳۱}

یافته‌ها یانناجیح: یافته‌ها و نتایج اساسی تحقیق هذا قرار ذیل می‌باشد

الف- إلقاح مصنوعی به معنی بارورساختن نطفه زن و مرد و باردار نمودن زن از طریق غیر طبیعی (مجامعت زوجین)، است، که دارای هفت صورت آتی می‌باشد: ۱. ادخال نطفه زوج در رحم زوجه از طریق وسایل، ۲. ادخال نطفه اجنبی در رحم زوجه، ۳. تلقیح منی شوهر و بیضه زن در خارج رحم، ۴. تلقیح خارجی میان نطفه زوج و زن بیگانه دیگری در خارج رحم، ۵. تلقیح خارجی میان منی مرد و تخمه زن و زرع آن در رحم زن بیگانه دیگر، ۶. تلقیح نطفه زوجین و تزریق آن در رحم زن بیگانه، ۷. تلقیح خارجی میان نطفه زوجین و زرع آن در رحم زوجه دیگری شوهر.

ب- اولین طفلی که از طریق القاح مصنوعی به دنیا آمد (لویزبراون) بریتانیایی بود، که (لیزلی براون) آنرا تولد نمود، این عملیه در ۱۰ نوامبر ۱۹۷۷م توسط طبیبان هریک (استبتوا واداردز) انجام شد، طبیبان موصوف تخمه‌های خانم متذکره را با آب منی شوهرش در خارج رحم توسط آلات طبی القاح نمودند، که در نتیجه آن طفل دختر بمیان آمد و نام وی را (لویزبراون) گذاشتند، و بعداً بنام طفل انبوی یا مصنوعی شهرت یافت.

ت- عمده‌ترین سبب فرزندآوری از طریق القاح مصنوعی عقامت یا بی‌ولادی است و همچنان عدم تولد شدن یک جنس معین از اطفال مثلاً کسانیکه فرزندش همیشه دختر بوده است، پسر ندارد، ویا بر عکس آن.

ث- در نزد فقهاء از انواع هفتگانه القاح مصنوعی صرف دو صورت آن (تلقیح داخلی و خارجی میان نطفه زوجین) آنهم بادنظر داشت ضوابط و قواعد و ضرورت شرعیه جواز دارد، أمّا سایر انواع آن ناجایز می‌باشد.

ج- اصطلاحات مربوط به موضوع: الامشاج، ام المستعار، نطفه - منی، بیضه، حاضنه، رحم، شتل الجنین، لقیحه، مواجرالبطن، مضیفه، متبرع و متبرعه می‌باشد.

نتیجه گیری: از تحقیقات که پیرامون موضوع (حکم فرزندآوری از طریق القاح مصنوعی) انجام شد، نتایج آتی را می‌توان بدست آورد:

۱- القاح مصنوعی یکی از اختراعات علوم طبی جدید بوده، ومنشأ غیراسلامی دارد، زیرا اولین بار این عملیه توسط طبیبان غیرمسلمان بر غیرمسلمان بدون نظر داشت قواعد مفسده و مصلحه انجام یافته و بعد از گسترش آن در بلاد و ممالک اعم از اسلامی و غیراسلامی نشر گردیده که باتاسف تعدادی زیادی از مسلمانان اعم از طبیبان و غیر آن‌ها بدون اینکه در باره حکم شرعی آن چیزی را بدانند تقلید نموده است.

۲- باروری و فرزندآوری در شریعت اسلامی قواعد و ضوابط و شرایطی داشته است.

۳- ازدیدگاه فقهای اسلامی فرزندآوری از طریق القاح مصنوعی فقط از نطفه زوجین و میان آن‌ها درست است، نه دیگران.

۴- در فقه اسلامی فرزندآوری از طریق القاح مصنوعی غیر از نطفه زوجین و در میان غیر آن‌ها، جهت گریز و نجات از اضرار ذیل نادرست گردیده است:

۵- اکثری از متبرعین منی مجهول الحال و مصاب به امراض تناسلی می‌باشد، و این مرض بسوی زن ملقاح الیها نیز انتقال خواهد یافت.

۶- بانک‌های منی، منی یک شخص را برای زن‌های متعدد القاح یا زرق می‌کنند.

۷- ابهام و جهل در نسب‌های که در نتیجه این عملیه متولد می‌گردد.

۸- انتسابات و نموی منی در ظروف مخصوص آن و حتی در وقت گرفتن زن منی شوهرش را بعد از وفات شوهر، مشکلات زیادی

^{۳۱}ابو زید، فقه النوازل، ۲۷۳. برای معلومات بیشتر: بحوث لبعض النوازل الفقهية المعاصرة، المكتبة الشاملة، الاصدار الثالث، ۲۸-۲۹.

- در مورد نسبت این نوع جنین بسوی شوهر و میراث بردن جنین از وی نیز از این عملیه نشأت می‌کند.
- ۹- باز کردن دروازه‌های بانک‌های تجارتهی منی.
- ۱۰- ایجاد شرکتهای تجارتهی جهت فروش رحم‌های عاریتهی.
- ۱۱- باز شدن دروازه تحکم (محکوم کردن) جنس جنین.
- ۱۲- امتناع صاحب رحم از تسلیم‌دهی جنین که از نطفه شخص دیگر است، که این کار سبب نزاع میان آنها خواهد شد.

منابع

- ابو زید بکر بن عبدالله ، فقه النوازل. مصر: مؤسسة رسالة، ۱۴۱۶ق.
- ابن صالح محمدالمشیمین ، کتب و رسائل، المكتبة الشاملة قسم فقه عام و فتاوی، الاصدار الثالث. بی جا، بی نا، بی تا.
- بحوث لبعض النوازل الفقهية المعاصرة. المكتبة الشاملة ، الاصدار الثالث، ۲۸.
- بی نا، مجله مجمع الفقه الاسلامی، بی تا.
- حستان حتوت ، الانجاب، فتاوی الشبكة الإسلامية. قاهره: وزارة الاوقاف المصريه، بی تا.
- حقانی عبدالحق، چراغ حکمت، شماره اول. پروان: دانشگاه پروان، ۱۳۹۴.
- حرم پناهی محسن، تلقیح مصنوعی، فصلنامه فقه اهل بیت، شماره نهم ودهم. قم: موسسه مطبوعاتی، ۱۳۸۰.
- زحیلی وهبه، الفقه الاسلامی وادلته. دمشق: مكتبة دارالفکر، بی تا.
- شرف الدین احمد ، الطب الاسلامی. مصر: مكتبة دارالاسلام، ۱۴۲۲ق.
- عبدالکریم شرعی جوزجانی، حقوق اسلام، مذهب حنفی و فقهای تورکستان. کابل: انتشارات سعید، ۱۳۹۱.
- محمد یزدی ، باروری های مصنوعی و حکم فقهی آن مجله فقه اهل بیت ، شماره پنجم و ششم) قم: موسسه مطبوعاتی نشرالاسلامی، (۱۳۸۰
- ۸۷.
- معین محمد ، فرهنگ معین. تهران: انتشارات امیر کبیر ۱۳۸۸، ش.
- مؤمن محمد، سخنی درباره تلقیح، مجله فقه اهل بیت، شماره چهارم. قم: موسسه مطبوعاتی نشرالاسلامی ۱۳۸۱.
- مؤمن محمد ، کلمات سدیده فی مسایل جدیده. قم: موسسه مطبوعاتی نشرالاسلامی، ۱۴۱۵ق.